


# The Islamic Ummah and Social Capital: A Qur'anic Analysis of Believers' Relationships and Capital Formation in Early Islam

( Received: 2025-06-01 Acceptance: 2025-09-13 )

Morteza Arab 

## Abstract

This interdisciplinary study investigates the mechanisms of social capital formation in the early Islamic community. The data comprises selected Qur'anic verses (Hujurat, 10; Tauba, 103; Ma'ida, 2; Anfal, 63; Al 'Imran, 103), authoritative tafsir, and historical references such as Ibn Hisham's Sira. The research employs qualitative thematic content analysis; the verses and interpretations were coded, producing three central categories—Islamic brotherhood, social institutions, and reciprocal norms. These were compared with the social capital theory (trust, networks, norms). Findings indicate that Qur'anic brotherhood fostered trust and bonding social capital; institutions such as the mosque and zakat system promoted cooperative networks and bridging capital; and Qur'anic injunctions like enjoining good and mutual aid institutionalized reciprocal norms. The study concludes that Qur'anic principles, through practical and historical functions, offered mechanisms for strengthening trust, enhancing cooperation, and reducing inequality. These insights provide applicable lessons for modern social integration policies, institutional development, and community cohesion. The comparative analysis of verses, tafsir, and historical practices forms the foundation of the article's practical recommendations.

**Keywords:** Islamic Ummah, Social Capital, Islamic Brotherhood, Social Institutions, Reciprocal Norms.

مطالعات اجتماعی و فرهنگی  
دوره چهارم  
شماره اول  
پیاپی: ۷  
بهار و تابستان  
۱۴۰۴


Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Law & Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. [morteza.arab@uk.ac.ir](mailto:morteza.arab@uk.ac.ir)



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

## امت اسلامی و سرمایه اجتماعی: تحلیل قرآنی روابط مؤمنان و سرمایه‌سازی در صدر اسلام

( تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۲۲ )

مرتضی عرب  ID

### چکیده

این پژوهش میان‌رشته‌ای با هدف واکاوی سازوکارهای تولید سرمایه اجتماعی در امت اسلامی صدر اسلام انجام شده است. داده‌ها شامل گزینش آیات کلیدی قرآن (حجرات/۱۰، توبه/۱۰۳، مائده/۲، انفال/۶۳، آل عمران/۱۰۳)، تفاسیر معتبر و منابع تاریخی مانند سیره ابن هشام است. روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی تماتیک است؛ آیات و تفاسیر کدگذاری و سه مقوله محوری - اخوت اسلامی، نهادهای اجتماعی و هنجارهای متقابل - استخراج شد و با نظریه سرمایه اجتماعی (اعتماد، شبکه‌ها و هنجارها) تطبیق یافت. یافته‌ها نشان می‌دهد که اخوت قرآنی بستر اعتماد و سرمایه‌پیوندی را فراهم ساخت؛ نهادهایی مانند مسجد و نظام زکات شبکه‌های همکاری و سرمایه‌پل‌زننده ایجاد کردند؛ و هنجارهای امر به معروف و تعاون در خیر، هنجارهای متقابل را نهادینه نمودند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد اصول قرآنی با کارکردهای عملی و تاریخی، سازوکارهایی برای تقویت اعتماد، همکاری و کاهش نابرابری فراهم کرده‌اند و می‌توانند برای سیاست‌های ادغام اجتماعی، برنامه‌های نهادسازی مدرن و ارتقای انسجام اجتماعی الهام‌بخش باشند. تحلیل تطبیقی آیات، تفاسیر و منابع تاریخی مبنای پیشنهادی کاربردی مقاله را تشکیل می‌دهد.

**کلمات کلیدی:** امت اسلامی، سرمایه اجتماعی، اخوت اسلامی، نهادهای اجتماعی، هنجارهای متقابل



## ۱. مقدمه

در جهان معاصر، انسجام اجتماعی به دلیل چالش‌هایی مانند فردگرایی، جهانی‌سازی و تفرقه‌های فرهنگی و سیاسی تهدید می‌شود (Inglehart & Welzel, ۲۰۰۵, p. ۴۷). در این میان، مفاهیم دینی مانند امت اسلامی در قرآن کریم می‌توانند راهکارهایی برای تقویت پیوندهای اجتماعی ارائه دهند. آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران: ۱۱۰)، معیار برتری مسلمانان صدر اسلام بر دیگران را التفات آن‌ها به اجتماع و هنجارهای اجتماعی معرفی می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۳/۳۷۷). آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) بر اخوت ایمانی تأکید داشته و در میان مؤمنان، اعتماد و اصلاح بین افراد جامعه را ترویج می‌دهد (ابن عطیة، ۱۴۱۳: ۵/۱۴۸)، همچنین، نهادهای اجتماعی مانند مساجد و زکات، به عنوان بستری برای همکاری و هنجارهای قرآنی مانند امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان مکانیسم‌های حفظ انسجام، نقش کلیدی در امت اسلامی دارند (Lapidus, ۱۹۸۸, p. ۳۷).

مفهوم امت اسلامی در قرآن کریم به عنوان الگویی برای جامعه‌ای متعادل، متحد و مسئول معرفی شده که بر پایه ایمان، وحدت و همکاری اجتماعی شکل گرفته است. آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳) امت را جامعه‌ای عادل و میانه‌رو توصیف می‌کند که وظیفه هدایت و اصلاح را بر عهده دارد (طوسی، ۱۴۰۹، ۶/۲). این ویژگی‌ها با مفهوم سرمایه اجتماعی، شامل اعتماد، شبکه‌های همکاری و هنجارهای متقابل، پیوند عمیقی دارند (Putnam, ۲۰۰۰, p. ۱۹). در جهان معاصر که انسجام اجتماعی به دلیل فردگرایی و تفرقه تهدید می‌شود، بررسی امت اسلامی از منظر سرمایه اجتماعی می‌تواند راهکارهایی برای تقویت پیوندهای اجتماعی ارائه دهد. در این پژوهش، صدر اسلام به عنوان بستر تحلیلی انتخاب شده است، زیرا این دوره به عنوان نقطه عطفی در شکل‌گیری امت اسلامی، نمونه‌ای عملی از اجرای اصول قرآنی در یک جامعه چندپاره ارائه می‌دهد. تنوع قبیله‌ای، چالش‌های اقتصادی مهاجرین و تهدیدات خارجی، صدر اسلام را به محلی برای بررسی چگونگی تولید سرمایه اجتماعی از طریق اخوت، نهادهای اجتماعی و هنجارهای متقابل تبدیل کرده است (Lapidus, ۱۹۸۸, p. ۳۴). این بستر تاریخی امکان تحلیل عمیق پیوند میان مفاهیم قرآنی و نظریه‌های سرمایه اجتماعی را فراهم می‌کند.

سؤال اصلی پژوهش این است: چگونه اصول قرآنی امت اسلامی، از طریق روابط

مؤمنان، به تولید سرمایه اجتماعی منجر می‌شوند؟ این مطالعه به طور خاص به بررسی سه محور اخوت اسلامی، نهادهای اجتماعی و هنجارهای متقابل می‌پردازد و نقش آن‌ها را در ایجاد اعتماد، شبکه‌های همکاری و هنجارهای اجتماعی تحلیل می‌کند. همچنین، با تمرکز بر صدر اسلام، چگونگی سرمایه‌سازی عملی از این اصول بررسی می‌شود.

این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

چگونه اخوت اسلامی، به عنوان یک اصل قرآنی، اعتماد اجتماعی را در امت اسلامی تقویت می‌کند؟

نهادهای اجتماعی مانند مساجد و زکات چگونه شبکه‌های همکاری را در امت اسلامی ایجاد می‌کنند؟

امر به معروف و نهی از منکر چگونه هنجارهای متقابل را در امت اسلامی نهادینه کرده و به انسجام اجتماعی کمک می‌کند؟

چگونه این اصول در صدر اسلام به تولید سرمایه اجتماعی منجر شدند و چه درس‌هایی برای جوامع مدرن دارند؟

### پیشینه پژوهش

مفهوم امت اسلامی در قرآن کریم موضوع مطالعات متعددی بوده که عمدتاً بر جنبه‌های کلامی، تاریخی و اجتماعی آن تمرکز داشته‌اند. مفسران اسلامی آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳) را به عنوان پایه‌ای برای تحلیل چگونگی امت مورد توجه قرار داده‌اند (آلوسی، بی تا: ۴/۲) و امر به معروف در آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران: ۱۰۴) را عاملی برای انسجام اجتماعی معرفی کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ۵۶۸/۳). مطالعات تاریخی نیز نقش پیمان اخوت و مسجد النبى را در انسجام اجتماعی صدر اسلام بررسی کرده‌اند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲۳۴/۱). با این حال، این مطالعات کمتر به پیوند امت با نظریه‌های مدرن علوم اجتماعی، مانند سرمایه اجتماعی، پرداخته‌اند، در این میان، موسوی سرچشمه و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی اخوت مدار: قدرت نرم بی‌بدیل تأمین امنیت امت اسلامی» (۱۴۰۲، ۱۱۳-۱۳۸) مسأله امنیت در امت اسلامی را با توجه به سرمایه‌سازی اخوت مدنظر قرار داده‌اند که مطالعه آن‌ها در ارتباط با موضوع سرمایه اجتماعی درخور توجه است ولی تحلیل این امر که چگونه قرآن کریم به مفهوم‌سازی امت اسلامی پرداخته و چگونه اصول قرآنی در این زمینه به تولید سرمایه اجتماعی منجر گشته‌اند تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. ایزدی (۱۳۹۶)



نقش نهاد‌های دینی را در تقویت سرمایه اجتماعی در جوامع اسلامی بررسی کرده، اما تحلیل آیات قرآنی و شناخت اصول قرآنی در این زمینه محدود بوده است. مطالعات غربی هم مانند اسپوزیتو (۲۰۱۱) نقش نهاد‌های اسلامی مانند زکات را در همکاری اجتماعی بررسی کرده‌اند ولی در هر حال، تحلیل جامع آیات قرآنی برای پیوند اصول قرآنی با سرمایه اجتماعی کمتر انجام شده است، لذا، پژوهش حاضر می‌کوشد با تلفیق تحلیل قرآنی و نظریه سرمایه اجتماعی، این شکاف را پر می‌کند.

بررسی مفهوم امت اسلامی از منظر سرمایه اجتماعی به چند دلیل ضروری است. نخست، در جهانی که انسجام اجتماعی به دلیل فردگرایی و تفرقه تهدید می‌شود، اصول قرآنی مانند اخوت («إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ حجرات: ۱۰) و همکاری («وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛ مائده: ۲) راهکارهایی برای تقویت اعتماد و همکاری ارائه می‌دهند و اصولی مانند اخوت و وحدت امت را تضمین می‌کند (قرطبی، ۱۳۸۴، ۲۳۴/۱۶). دوم، این مطالعه با ارائه چارچوبی میان‌رشته‌ای، گفت‌وگویی بین مطالعات اسلامی و علوم اجتماعی ایجاد می‌کند که برای درک نقش دین در جوامع مدرن حیاتی است (Asad, ۱۹۸۶, ۱۴). سوم، تحلیل قرآنی امت و پیوند آن با سرمایه اجتماعی می‌تواند الگویی بومی برای انسجام اجتماعی ارائه دهد که با مدل‌های غربی سرمایه اجتماعی تفاوت دارد. در نتیجه، این پژوهش با تکیه بر آیات قرآنی و تفاسیر معتبر، به درک عمیق‌تری از ظرفیت‌های امت برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی منسجم کمک می‌کند.

## ۲. مبانی نظری و بیان مفاهیم

### ۲.۱. مفهوم امت اسلامی در قرآن

مفهوم امت اسلامی در قرآن کریم به عنوان جامعه‌ای متعادل، متحد و مسئول تعریف شده که بر پایه ایمان به خدا و ارزش‌های الهی شکل گرفته است. آیه «وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره: ۱۴۳)، امت را جامعه‌ای عادل و میانه‌رو معرفی می‌کند که وظیفه هدایت و نظارت اجتماعی را بر عهده دارد. طبری منظور از امت وسط را اجتماعی می‌داند که بر طریق عدل و احسانند و از افراط و تفریط به دور (طبری، ۱۴۱۵؛ ۱۰/۲-۱۱). این ویژگی‌ها، امت را به اجتماعی تبدیل می‌کنند که انسجام اجتماعی را از طریق ارزش‌های مشترک توحیدی و عدالت محور ترویج می‌دهد.

وحدت امت در آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (انبیاء: ۹۲) برجسته گردیده و

نشانه اجتماع امت اسلامی بر ایمان و طاعت لحاظ شده است (قرطبی، ۱۳۸۴، ۲۳۴/۱۲). اخوت اسلامی، به عنوان یکی از ارکان اصلی امت؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰)، پایه روابط اجتماعی مؤمنان را سامان می‌دهد و موجب همکاری و همدلی بین مومنان می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۰۷ هـ، ج ۳۴۶/۷) و در نتیجه، وحدت اجتماعی را از طریق پیوندهای عاطفی و اخلاقی تقویت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۱۵/۱۸)، همچنین، این اصل قرآنی با مفهوم اعتماد اجتماعی در نظریه سرمایه اجتماعی (Fukuyama، ۱۹۹۵، p. ۲۶) هم‌خوانی دارد، زیرا اخوت ایمانی با ایجاد هویت جمعی، اعتماد متقابل را در میان مؤمنان تقویت می‌کند.

نهادهای اجتماعی مانند مساجد و زکات، نقش کلیدی در سازمان‌دهی امت دارند. آیه «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (توبه: ۱۸) مساجد را مراکز عبادی و اجتماعی معرفی می‌کند. روایات تفسیری مساجد را محل ایجاد الفت و همکاری بین مومنان بر می‌شمرد (سیوطی، ۱۴۰۴، ۴۵۶/۳). زکات، در آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» (توبه: ۱۰۳)، توزیع عادلانه منابع را ترویج می‌دهد و لزوم پرداخت آن، موجب ایجاد مسئولیت اجتماعی و پرهیزکاری می‌گردد (بغوی، ۱۴۱۷، ۵۶۷/۲). مضافاً بر این، زکات با ایجاد تساوی در احکام دینی، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند (طبرسی، ۱۴۱۵ هـ، ۱۱۷/۵).

هنجارهای اجتماعی امت، به ویژه امر به معروف و نهی از منکر، در آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴) وظیفه اصلاح اجتماعی را بر عهده امت می‌گذارد و با برقراری شایسته این شیوه اصلاح اجتماعی، امت رستگار می‌شود (طبری، ۱۴۱۵، ۵۳/۴). آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) نیز همکاری در خیر و تقوا را به عنوان یک هنجار اجتماعی معرفی می‌کند. تعاون بر خیر و پرهیزکاری، موجب تقویت اجتماع گشته و جامعه را از ازم‌گسیختگی حفظ می‌کند (قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۲۳/۵). این ویژگی‌ها، امت اسلامی را به جامعه‌ای تبدیل می‌کنند که از طریق ایمان، وحدت و مسئولیت اجتماعی، بستری برای انسجام و همکاری فراهم می‌کند که با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هم‌خوانی دارد.

## ۲.۲. مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از منابع اجتماعی است که از طریق اعتماد اجتماعی، شبکه‌های همکاری و هنجارهای متقابل در جوامع تولید



می‌شود و نقش کلیدی را در انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. پیر بوردیو سرمایه اجتماعی را شبکه‌هایی از روابط تعریف می‌کند که منابع مادی و غیرمادی را در اختیار افراد قرار می‌دهند (Bourdieu, ۱۹۸۶, ۲۴۸). رابرت پاتنام آن را شامل اعتماد اجتماعی، شبکه‌های همکاری و هنجارهای متقابل می‌داند که تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کنند (Putnam, ۲۰۰۰, ۱۹). جیمز کلمن تأکید می‌کند که هنجارهای متقابل، مانند تعهد به خیر جمعی، سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کنند (Coleman, ۱۹۸۸, ۱۰۴). مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، شبکه‌های همکاری و هنجارهای متقابل) در جوامع دینی، به‌ویژه امت اسلامی، از طریق اصول قرآنی تجلی می‌یابند.

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی به باور افراد به صداقت و خیرخواهی دیگران اشاره دارد و پایه‌ای برای همکاری اجتماعی است (Fukuyama, ۱۹۹۵, ۲۶). در امت اسلامی، اعتماد از طریق اخوت ایمانی تقویت می‌شود. آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) مؤمنان را به عنوان برادران ایمانی معرفی می‌کند که اعتماد متقابل را ترویج می‌دهند. این اعتماد، سرمایه اجتماعی پیوندی (Bonding) را ایجاد می‌کند که روابط درون‌گروهی را تقویت می‌کند (Portes, ۱۹۹۸, ۷).

شبکه‌های همکاری: شبکه‌های اجتماعی ساختارهایی هستند که افراد را به یکدیگر متصل کرده و همکاری را تسهیل می‌کنند (Lin, ۲۰۰۱, ۲۹). در امت اسلامی، نهادهای اجتماعی مانند مساجد و زکات این شبکه‌ها را شکل می‌دهند. آیه «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» (توبه: ۱۸) با تأکید بر لزوم ارتباط مؤمنان با نهاد مسجد، این نهاد را به مرکز تجمع مؤمنان تبدیل می‌کند. مساجد، با ایجاد شبکه‌های همکاری مبتنی بر ایمان، سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌زننده را تولید می‌کنند، زیرا گروه‌های متفرق را در یک ساختار اجتماعی منسجم متحد می‌کنند (Putnam, ۲۰۰۰, p. ۲۲). زکات، در آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه: ۱۰۳)، بر توزیع عادلانه منابع تأکید کرده و با اخذ بخشی از دارایی اغنیا و تقسیم آن در بین مستمندان، شبکه‌ای از روابط اجتماعی را ایجاد می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۲۳/۷). این نهادها، سرمایه اجتماعی پل‌زننده (Bridging) را تولید می‌کنند که گروه‌های مختلف با ویژگی‌های متفاوت را به هم متصل می‌کند (Putnam, ۲۰۰۰, ۲۳).

هنجارهای متقابل: هنجارهای متقابل ارزش‌هایی هستند که همکاری را تشویق کرده و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کنند (Coleman, ۱۹۸۸, ۱۰۴). در امت

اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در خیر و تقوا، این هنجارها را نهادینه می‌کنند. آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران: ۱۰۴) وظیفه اصلاح اجتماعی را بر عهده گروهی خاص از مومنان (کلینی، ۱۳۶۷: ۱۴/۵ - عیاشی، بی تا: ۹۵/۱) و یا عموم مومنان آگاه و عالم به ارزش‌های دینی و اخلاقی می‌گذارد (طوسی، ۱۴۰۹: ۵۴۸/۲) و آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائدة: ۲) نیز همکاری در خیر را ترویج داده و بدین وسیله، ساخت جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی را رقم می‌زند (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۷/۲). این هنجارها، با ترویج ارزش‌هایی مانند عدالت و خیرخواهی، رفتارهای همکاری جویانه را نهادینه می‌کنند.

### ۲.۳. پیوند مفهوم امت و سرمایه اجتماعی

پیوند مفهوم امت اسلامی با نظریه سرمایه اجتماعی چارچوبی نوآورانه برای تحلیل روابط مؤمنان ارائه می‌دهد. ویژگی‌های امت اسلامی در قرآن با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هم‌خوانی قابل توجهی دارند:

اعتماد اجتماعی: اخوت اسلامی که در آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) ریشه دارد، بستری برای ایجاد اعتماد متقابل فراهم می‌کند. اخوت دینی، شبکه‌ای از همکاری اجتماعی ایجاد می‌کند (رازی، ۱۴۲۰، ۱۳۵/۲۸) که هویت جمعی را تقویت کرده و اعتماد را نهادینه می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۱۵/۱۸)، همچنین، این اعتماد از طریق نهادهایی مانند زکات و انفاق که مبتنی بر ایمان به خیر جمعی هستند، تقویت می‌شود (ایزدی، ۱۳۹۶، ۴۵).

شبکه‌های اجتماعی: نهادهای اجتماعی مانند مساجد، بازارهای اسلامی و نظام زکات، نمونه‌هایی از شبکه‌های اجتماعی در صدر اسلام هستند که روابط مؤمنان را سازمان‌دهی کرده و همکاری را تسهیل می‌کنند (Lapidus, ۱۹۸۸، ۶۷). آیه «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» (توبه: ۱۸) مساجد را مراکز تعاون معرفی می‌کند و مومنین را در شبکه‌ای از ایمان و همکاری پیوند می‌دهد (قرطبی، ۱۳۸۴، ۸۸/۸). این شبکه‌ها سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌زننده را تقویت می‌کنند (Putnam, ۲۰۰۰، ۲۳).

هنجارهای متقابل: امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در خیر که در آیات «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ» (آل عمران: ۱۰۴) و «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائدة: ۲) ریشه دارند، رفتارهای همکاری جویانه را ترویج می‌دهند. همکاری و همیاری در اعمال شایسته و دوری جستن از کمک به دیگری در انجام اعمال ناشایسته (طبرسی، ۱۴۱۵: ۲۶۷/۳)، انسجام اجتماعی را تقویت کرده و امتی یکپارچه



می‌سازد و شبکه‌ای از روابط عاطفی را بین مومنان ایجاد می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴، ۵۶۸/۳). این هنجارها به عنوان مکانیسم‌های اجتماعی، انسجام امت را حفظ می‌کنند (آیت‌اللهی، ۷۸/۱۳۹۵). این هنجار قرآنی، با ترویج رفتارهای خیرخواهانه، سرمایه اجتماعی را از طریق نهادینه‌سازی هنجارهای متقابل تقویت می‌کند، که با نظریه کلمن (۱۹۸۸، p. ۵۱۰۴) هم خوانی دارد. این هم خوانی نشان می‌دهد که امت اسلامی در قرآن می‌تواند به عنوان یک مدل بومی از سرمایه اجتماعی تحلیل شود. برخلاف مدل‌های غربی سرمایه اجتماعی که اغلب بر ساختارهای سکولار تمرکز دارند، امت اسلامی ریشه در ارزش‌های دینی دارد و از طریق ایمان و التزام به شریعت، روابط اجتماعی را تقویت می‌کند (Siddiqui, ۲۰۱۲، ۸۹). برای مثال، آیه «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» (الأنفال: ۶۳) الفتن میان قلوب مؤمنان را به اخوت ایمانی نسبت می‌دهد (طبری، ۱۴۱۵، ۴۶/۱۰-۴۷). این پیوند، امت را به جامعه‌ای منسجم تبدیل کرده که با نظریه‌های سرمایه اجتماعی هم خوان است.

#### ۲.۴. رویکرد پژوهش

این پژوهش از رویکرد تحلیل محتوای کیفی بهره می‌گیرد که برای بررسی متون دینی و تلفیق آن‌ها با مفاهیم علوم اجتماعی مناسب است (Denzin & Lincoln, ۲۰۱۱، ۳). این رویکرد امکان کاوش عمیق مفاهیم قرآنی مانند امت و روابط مؤمنان را فراهم می‌کند و به پژوهشگر اجازه می‌دهد معانی چندلایه این مفاهیم را در بسترهای تاریخی و معاصر تحلیل کند (Creswell, ۲۰۱۴، ۱۸۵). آیات قرآنی مانند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)، «حُذِّمْنَ أَمْوَالَهُمْ صَدَقَةً» (توبه: ۱۰۳) و «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائدة: ۲) با تکیه بر تفاسیر معتبر اسلامی تحلیل می‌شوند. منابع تاریخی مانند السیره النبویه ابن هشام، برای بررسی صدر اسلام استفاده می‌شوند. داده‌ها از طریق کدگذاری آیات و تفاسیر به مقوله‌های اخوت، نهادهای اجتماعی و هنجارهای متقابل تقسیم شده و با نظریه‌های سرمایه اجتماعی مقایسه می‌شوند (Putnam, ۲۰۰۰، ۱۹).

رویکرد میان‌رشته‌ای این پژوهش، با تلفیق مطالعات اسلامی و علوم اجتماعی، امکان تحلیل روابط مؤمنان را در چارچوب قرآنی و نظری فراهم می‌کند. قرآن کریم متنی قدسی است که مخاطبان زمینی دارد و لذا، با ایشان به زبان‌شان سخن گفته و خصوصیات ادراک بشری ایشان را در نظر داشته است (طبری، ۱۴۱۵، ۱۹/۱) و لذا، با توجه به آفریننده‌ی الهی‌اش و علم او به خصوصیات بشری، تحلیل آیات قرآنی باید ریشه در متن قرآنی داشته باشد تا از تفسیرهای

غیرمستند اجتناب شود (طباطبائی، ۱۳۷۹، ۱۸). این رویکرد به پژوهشگر امکان می‌دهد تا ویژگی‌های امت اسلامی را با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، شبکه‌ها و هنجارها) مقایسه کرده و چگونگی سرمایه‌سازی از روابط مؤمنان را بررسی کند.

### ۳. تحلیل قرآنی روابط مؤمنان

این بخش روابط مؤمنان در امت اسلامی را از منظر قرآن کریم تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این روابط، از طریق اخوت اسلامی، نهادهای اجتماعی و هنجارهای متقابل (امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در خیر)، بستری برای تولید سرمایه اجتماعی فراهم می‌کنند.

#### ۳.۱. اخوت اسلامی و اعتماد اجتماعی

اخوت اسلامی، به‌عنوان یک اصل بنیادین قرآنی، چارچوبی برای روابط اجتماعی مؤمنان ارائه می‌دهد که از منظر جامعه‌شناختی، نقش کلیدی در تولید اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی پیوندی (bonding social capital) ایفا می‌کند. آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰) بر برادری ایمانی تأکید دارد و روابط مؤمنان را بر اساس ایمان مشترک تعریف می‌کند. این آیه نه تنها بر پیوند عاطفی، بلکه بر تعهد اجتماعی برای حفظ عدالت و اصلاح اختلافات تأکید دارد (طبرسی، ۱۴۱۵، ۲۲۲/۹). علامه طباطبایی این پیوند را فراتر از روابط فردی می‌داند و آن را عاملی برای ایجاد وحدت اجتماعی از طریق ارزش‌های اخلاقی و دینی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۱۵/۱۸) بنابراین، اخوت اسلامی، به‌عنوان یک قرارداد اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های دینی، مکانیسمی برای تقویت انسجام اجتماعی و کاهش تعارضات فراهم می‌نماید (عاملی، ۱۴۱۵، ۲۴۰/۴).

از منظر جامعه‌شناسی، اعتماد اجتماعی به باور افراد به صداقت، خیرخواهی و قابلیت اطمینان دیگران اشاره دارد و بستری برای همکاری‌های اجتماعی فراهم می‌کند (Putnam, ۲۰۰۰, p. ۱۹). اخوت اسلامی با ایجاد یک هویت جمعی مبتنی بر ایمان، این اعتماد را از طریق ارزش‌های مشترکی مانند توحید، تقوا و عدالت تقویت می‌کند. این هویت جمعی، مشابه مفهوم هویت اجتماعی (Tajfel & Turner, ۱۹۷۹)، با کاهش تعصبات گروهی و تقویت پیوندهای درون‌گروهی، سرمایه اجتماعی پیوندی را تولید می‌کند که روابط درون امت را مستحکم می‌سازد (Portes, ۱۹۹۸, p. ۷). تأکید آیه بر «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»



نشان دهنده یک مکانیسم نظارت اجتماعی است که با تشویق به اصلاح روابط و حل اختلافات، اعتماد اجتماعی را نهادینه می‌کند. این مکانیسم، با ایجاد حس مسئولیت جمعی، به کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت همکاری کمک می‌کند.

آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) ایمان به ارزش‌های دینی را عاملی برای وحدت اجتماعی و پیشگیری از تفرقه معرفی می‌کند (قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۶۱/۴). از منظر جامعه‌شناختی، این اصل با ایجاد شبکه‌های همکاری مبتنی بر ارزش‌های مشترک، سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند. زمخشری این آیه را نشانه‌ای از نقش ایمان در ایجاد پیوندهای اجتماعی پایدار می‌داند که از پراکندگی و تفرقه جلوگیری می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۴۳۲/۱). این شبکه‌ها، با فراهم کردن بستری برای تعاملات منظم و مبتنی بر اعتماد، روابط مؤمنان را به ساختاری منسجم تبدیل می‌کنند. در بستر صدر اسلام، این اصل در اتحاد گروه‌های متفرق، مانند مهاجرین و انصار، نمود یافت و به کاهش تنش‌های قبیله‌ای میان اوس و خزرج کمک کرد.

آیه «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ مِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ» (الأنفال: ۶۳) الفت میان قلوب مؤمنان را نتیجه اراده الهی و ایمان می‌داند (طبری، ۱۴۱۵، ۴۷/۱۰). این پیوند، به‌ویژه در اتحاد مهاجرین و انصار در مدینه، اعتماد اجتماعی را به سطح عمیق‌تری ارتقا داد و امت را به جامعه‌ای منسجم تبدیل کرد (طبرسی، ۱۴۱۵، ۲۳۴/۴). از منظر نظریه سرمایه اجتماعی، این الفت به‌عنوان یک شکل از «سرمایه عاطفی» (emotional capital) عمل کرد که پیوندهای عاطفی و اخلاقی را تقویت نموده و اعتماد متقابل را در میان گروه‌های متفرق افزایش داد (Bourdieu, ۱۹۸۶, ۲۴۸). این مکانیسم در صدر اسلام، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های اجتماعی مانند تفاوت‌های قبیله‌ای و مشکلات اقتصادی مهاجرین، نقش کلیدی در ایجاد انسجام اجتماعی ایفا کرد.

از منظر نظریه سرمایه اجتماعی، اخوت اسلامی به‌عنوان یک مکانیسم هویت‌ساز، سرمایه اجتماعی پیوندی را تقویت کرد (Portes, ۱۹۹۸, p. ۷). این اصل، با ایجاد اعتماد اجتماعی مبتنی بر ایمان مشترک، پیوندهای عاطفی و اخلاقی را در میان مؤمنان مستحکم نمود و با کاهش تعارضات قبیله‌ای، مانند تنش‌های میان اوس و خزرج، انسجام اجتماعی را ارتقا داد. این ویژگی با مفهوم «سرمایه عاطفی» بوردیو (Bourdieu, ۱۹۸۶, p. ۲۴۸) هم‌خوانی دارد، زیرا اخوت از طریق

ارزش‌های دینی، حس تعلق جمعی را تقویت کرد.

از منظر بین‌رشته‌ای، اخوت اسلامی به‌عنوان یک سازوکار اجتماعی، با تلفیق ایمان و ارزش‌های اخلاقی، سرمایه اجتماعی را در امت اسلامی تولید کرد. برخلاف مدل‌های سکولار سرمایه اجتماعی که اغلب بر منافع مادی یا قراردادهای رسمی تکیه دارند (Putnam, 2000, 19)، اخوت اسلامی ریشه در ارزش‌های دینی دارد و از طریق تعهد به شریعت، اعتماد اجتماعی و همکاری جمعی را تقویت می‌کند. این اصل، با ایجاد هویت جمعی و کاهش تعارضات، بستری برای انسجام اجتماعی فراهم کرد که می‌تواند درس‌هایی برای جوامع مدرن ارائه دهد. برای مثال، اخوت اسلامی می‌تواند الهام‌بخش مکانیسم‌های اعتمادسازی در جوامع چندفرهنگی باشد، مانند برنامه‌های ادغام اجتماعی که بر ارزش‌های مشترک تأکید دارند.

جمع‌بندی: اخوت اسلامی، با ایجاد هویت جمعی مبتنی بر ایمان، اعتماد اجتماعی را در امت اسلامی تقویت کرد. این اصل، با کاهش تعارضات قبیله‌ای و ایجاد شبکه‌های همکاری، سرمایه اجتماعی پیوندی را تولید نمود که انسجام امت را در صدر اسلام تضمین کرد (Portes, 1998, p. 7).

### ۳.۲. نهادهای اجتماعی و شبکه‌های همکاری

نهادهای اجتماعی در صدر اسلام، مانند مساجد، نظام زکات و بازارهای اسلامی، بستری سازمان‌یافته برای تعاملات مؤمنان فراهم کردند و نقش کلیدی در تولید سرمایه اجتماعی و شبکه‌های همکاری ایفا نمودند. از منظر جامعه‌شناسی، این نهادها با ایجاد ساختارهای اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های دینی، سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌زننده را تقویت کردند که روابط درون‌گروهی و بین‌گروهی را در امت اسلامی مستحکم ساخت (Putnam, 2000, 22; Lin, 2001, 29). این بخش، با تلفیق مفاهیم قرآنی و نظریه‌های جامعه‌شناختی، نقش این نهادها را در ایجاد انسجام اجتماعی و همکاری در بستر صدر اسلام تحلیل می‌کند.

آیه «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (توبه: ۱۸) مساجد را به‌عنوان فضاهایی برای مؤمنان معرفی می‌کند که از طریق ایمان و عمل صالح آباد می‌شوند (طبری، ۱۴۱۵، ۱۲۱/۱۰). مساجد، فراتر از مکان‌های عبادی، به‌عنوان «فضاهای سوم» (third places) عمل کردند که تعاملات اجتماعی، آموزشی و مشورتی را تسهیل نمودند (قرطبی، ۱۳۸۴، ۸۷/۸). طبرسی تأکید می‌کند که مساجد با گردهم آوردن مؤمنان، هویت جمعی مبتنی بر ایمان را



تقویت کرده و شبکه‌های ارتباطی را بر پایه توحید ایجاد کردند (طبرسی، ۱۴۱۵، ۲۵/۵). از منظر نظریه سرمایه اجتماعی، مساجد با فراهم کردن بستری برای تعاملات منظم، مانند نمازهای جماعت و جلسات مشورتی، شبکه‌های همکاری را شکل دادند که اعتماد و انسجام اجتماعی را تقویت کردند (Lin, ۲۰۰۵, p. ۲۹). مساجد، به عنوان فضاهاى سوم (Oldenburg, ۱۹۸۹, p. ۲۰)، با تسهیل تعاملات منظم میان مؤمنان، سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌زننده را تولید کردند. از منظر پاتنام (۲۰۰۰, p. ۲۲)، این نهادها با ایجاد شبکه‌های همکاری مبتنی بر ایمان، گروه‌های متفرق مانند مهاجرین و انصار را در یک ساختار منسجم متحد کردند و اعتماد اجتماعی را از طریق تعاملات روزمره تقویت نمودند.

### زکات به عنوان یک نهاد اجتماعی-اقتصادی

زکات، فراتر از یک فریضه دینی، به عنوان یک نهاد اجتماعی-اقتصادی در قرآن کریم معرفی شده که با سازمان‌دهی توزیع منابع، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» (توبه: ۱۰۳) زکات را مکانیسمی برای پاکسازی فردی و تقویت همکاری جمعی معرفی می‌کند (رازی، ۱۴۲۰، ۱۱۲/۱۶). از منظر جامعه‌شناختی، نهادها ساختارهایی هستند که رفتارهای اجتماعی را سامان‌دهی کرده و همکاری را تسهیل می‌کنند (Lin, ۲۰۰۱, p. ۲۹). زکات، با ایجاد یک نظام رسمی برای جمع‌آوری و توزیع منابع از اغنیا به فقرا، نقش مشابهی با نهادهای مدرن مانند سازمان‌های خیریه یا سیستم‌های مالیاتی مترقی ایفا می‌کرد. این نظام، با توزیع عادلانه منابع، نه تنها نابرابری اقتصادی را کاهش داد، بلکه شبکه‌های همکاری میان اغنیا و فقرا را ایجاد کرد (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۲۳۴/۴). همچنین، با کاهش نابرابری‌های اقتصادی، حسد و تفرقه را کاهش داد و شبکه‌های همکاری بین‌گروهی را میان گروه‌های مختلف، مانند مهاجرین و انصار، تقویت کرد (قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۷۸/۱۶). در صدر اسلام، زکات به عنوان یک مکانیسم بازتوزیعی، مهاجرین فاقد منابع را از طریق حمایت انصار توانمند ساخت و بدین ترتیب، سرمایه اجتماعی پل‌زننده را تولید کرد (Putnam, ۲۰۰۰, p. ۲۲).

از منظر جامعه‌شناختی، زکات به عنوان یک مکانیسم بازتوزیعی، سرمایه اجتماعی پل‌زننده را تولید کرد که گروه‌های مختلف، مانند انصار و مهاجرین، را از طریق حمایت اقتصادی به یکدیگر متصل کرد (Putnam, ۲۰۰۰, p. ۲۲). برای مثال، ابن هشام گزارش می‌دهد که انصار از طریق زکات، مهاجرین را حمایت کردند که نمونه‌ای از همکاری بین‌گروهی است (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲۳۴/۱).

بازارهای اسلامی نیز به عنوان نهادهای اجتماعی در صدر اسلام، بستری برای تعاملات اقتصادی و اجتماعی فراهم کردند. آیه (وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا) (بقره: ۲۷۵) تجارت عادلانه را ترویج می‌دهد (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۴۵۶/۲). بازارهای مدینه، مانند بازار بنی قینقاع، فضاهایی برای تعاملات روزمره بودند که اعتماد و همکاری را تقویت کردند (Lapidus, ۱۹۸۸, ۶۷). این نهادها، با ترویج ارزش‌های دینی در تجارت، شبکه‌های همکاری را ایجاد کردند که سرمایه اجتماعی را نهادینه ساخت (بغوی، ۱۴۱۷، ۱۲۳/۴). از منظر بین‌رشته‌ای، این نهادها با تلفیق ارزش‌های دینی و ساختارهای اجتماعی، انسجام اجتماعی را در برابر چالش‌های صدر اسلام، مانند تنوع قبیله‌ای، تقویت کردند و می‌توانند الهام‌بخش نهادهای مدرن برای ایجاد همکاری و اعتماد باشند.

جمع‌بندی: نهادهای اجتماعی مانند مساجد و زکات، با ایجاد شبکه‌های همکاری مبتنی بر ارزش‌های دینی، سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌زننده را تولید کردند. این نهادها، با تسهیل تعاملات میان گروه‌های متفرق، انسجام اجتماعی را در صدر اسلام تقویت نمودند (Putnam, ۲۰۰۰, p. ۲۲).

### ۳.۳. هنجارهای متقابل: امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در خیر

هنجارهای متقابل در امت اسلامی، مانند امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در خیر و تقوا، به عنوان ارزش‌هایی که رفتارهای خیرخواهانه و همکاری جویانه را ترویج می‌دهند، نقش محوری در تولید سرمایه اجتماعی و تقویت انسجام اجتماعی ایفا کردند. از منظر جامعه‌شناسی، این هنجارها با نهادینه‌سازی تعهد جمعی به عدالت، اخلاق و همکاری، شبکه‌های اجتماعی پایداری ایجاد کردند که سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌زننده را در بستر صدر اسلام تقویت نمودند (Coleman, ۱۹۸۸, ۱۰۴; Fukuyama, ۱۹۹۵, ۲۶). این بخش، با تلفیق مفاهیم قرآنی و نظریه‌های جامعه‌شناختی، نقش این هنجارها را در ایجاد اعتماد اجتماعی، مدیریت تعارضات و تقویت هویت جمعی تحلیل می‌کند.

آیه (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) (آل عمران: ۱۰۴) امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان وظیفه‌ای جمعی برای اصلاح اجتماعی معرفی می‌کند که جامعه را از فساد و تباهی حفظ می‌کند (طبری، ۱۴۱۵، ۵۳/۴). این هنجار، با تأکید بر آگاهی به معروف و منکر و اجرای صحیح آن، به عنوان مکانیسمی برای نظارت اجتماعی عمل می‌کند (نحاس، ۱۴۰۹، ۴۵۶/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۴۵۲/۱). طوسی این وظیفه را ابزاری برای اصلاح امت و حفظ انسجام اجتماعی می‌داند (طوسی، ۱۴۰۹، ۵۴۹/۲). از منظر جامعه‌شناختی،



امر به معروف و نهی از منکر با ترویج ارزش‌های عدالت و خیرخواهی، رفتارهای انحرافی را کنترل کرده و اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کند (Coleman, ۱۹۸۸, S۱۰۴). طبرسی تأکید می‌کند که این هنجارها با ایجاد تعهد جمعی، پیوندهای اجتماعی را مستحکم می‌سازند (طبرسی، ۱۴۱۵، ۲/۲۳۴). فیض کاشانی نیز معتقد است که خیر جمعی از طریق عمل به این هنجارها در جامعه نمود می‌یابد (فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ۱/۳۶۷).

آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائدة: ۲) همکاری در خیر و تقوا را به عنوان یک هنجار متقابل معرفی می‌کند که ارزش‌های اجتماعی اسلامی را نهادینه می‌سازد (قرطبی، ۱۳۸۴، ۵/۱۲۳). علامه طباطبایی این هنجار را پایه سنت اسلامی می‌داند که رفتارهای اجتماعی را هدایت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵/۱۶۳). از منظر جامعه‌شناختی، این هنجار با تشویق رفتارهای خیرخواهانه، هویت جمعی را تقویت کرده و اعتماد اجتماعی را افزایش می‌دهد (Fukuyama, ۱۹۹۵, p. ۲۶). بغوی تأکید می‌کند که همکاری در خیر، مؤمنان را حول اهداف مشترک متحد کرده و فساد را دفع می‌کند (بغوی، ۱۴۱۷، ۲/۲۳۴). در صدر اسلام، این هنجار در همکاری انصار و مهاجرین، مانند حمایت اقتصادی از طریق زکات و انفاق، نمود یافت که نمونه‌ای از سرمایه اجتماعی پل‌زننده است (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۱/۲۳۴).

هنجار همکاری در خیر و تقوا، از منظر کلمن (۱۹۸۸، S۱۰۴، p.)، با نهادینه‌سازی ارزش‌های خیرخواهانه، سرمایه اجتماعی را تقویت کرد. این هنجار، با ترویج رفتارهای همکاری‌جویانه و کاهش انحرافات اجتماعی، اعتماد متقابل را در امت اسلامی افزایش داد و شبکه‌های همکاری را حول اهداف مشترک، مانند حمایت از فقرا، سازمان‌دهی کرد. از منظر بین‌رشته‌ای، این هنجارها به عنوان مکانیسم‌های اجتماعی، اعتماد و همکاری را در امت اسلامی نهادینه کردند. برخلاف هنجارهای سکولار مدرن که اغلب بر قوانین رسمی تکیه دارند، این هنجارهای قرآنی ریشه در ایمان داشته و پیوندهای عاطفی و اخلاقی را تقویت می‌کنند. برای مثال، حمایت انصار از مهاجرین، شکاف‌های قبیله‌ای و اقتصادی را کاهش داد و سرمایه اجتماعی پل‌زننده را ایجاد کرد. این هنجارها می‌توانند الهام‌بخش ابتکارات اجتماعی مدرن، مانند برنامه‌های داوطلبانه، برای تقویت انسجام اجتماعی باشند.

جمع‌بندی: هنجارهای متقابل، مانند امر به معروف و همکاری در خیر، با ترویج رفتارهای خیرخواهانه، سرمایه اجتماعی را در امت اسلامی تقویت کردند. این

هنجارها، با نهادینه‌سازی ارزش‌های عدالت و همکاری، انسجام اجتماعی را حفظ نمودند (Coleman, ۱۹۸۸, p. ۵۱۰۴).

### ۳.۴. پیوند روابط مؤمنان با سرمایه اجتماعی

تحلیل قرآنی روابط مؤمنان نشان می‌دهد که اخوت اسلامی، نهادهای اجتماعی (مساجد و زکات) و هنجارهای متقابل (امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در خیر) بستری برای تولید سرمایه اجتماعی فراهم می‌کنند. اخوت اسلامی، با ایجاد اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی پیوندی را تقویت می‌کند (Portes, ۱۹۹۸, p. ۷). نهادهای اجتماعی، مانند مساجد و زکات، شبکه‌های همکاری را ایجاد کرده و سرمایه اجتماعی پل زنده را تولید می‌کنند (Putnam, ۲۰۰۰, p. ۲۲). هنجارهای متقابل، با نهادینه‌سازی رفتارهای خیرخواهانه، انسجام اجتماعی را حفظ می‌کنند (Coleman, ۱۹۸۸, p. ۵۱۰۴). این ویژگی‌ها، امت اسلامی را به عنوان الگویی بومی برای سرمایه اجتماعی معرفی می‌کنند که از طریق ایمان و ارزش‌های دینی تقویت می‌شود (Siddiqui, ۲۰۱۲, p. ۸۹).

### ۴. سرمایه‌سازی از روابط مؤمنان

این بخش چگونگی تولید سرمایه اجتماعی در صدر اسلام را از طریق روابط مؤمنان در سه محور اخوت اسلامی، نهادهای اجتماعی و هنجارهای متقابل بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه اصول قرآنی در بستر تاریخی صدر اسلام به ایجاد اعتماد، شبکه‌های همکاری و هنجارهای متقابل منجر شدند، در نتیجه، این تحلیل، امت اسلامی را به عنوان الگویی بومی برای سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند که درس‌هایی برای جوامع مدرن ارائه می‌دهد.

### ۴.۱. پیمان اخوت و اعتماد اجتماعی

پیمان اخوت میان مهاجرین و انصار در مدینه، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های سرمایه‌سازی از روابط مؤمنان در صدر اسلام بود که اعتماد اجتماعی را به عنوان پایه‌ای برای انسجام امت اسلامی تقویت کرد. این پیمان که پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) در سال اول هجری برقرار شد، مبتنی بر آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) بود که اخوت ایمانی را محور روابط اجتماعی قرار می‌داد (آمین، بی‌تا، ۲۵۵/۸). از منظر جامعه‌شناختی، این پیمان به عنوان یک مکانیسم اعتمادساز عمل کرد که با ایجاد پیوندهای عاطفی و اخلاقی، سرمایه اجتماعی پیوندی (bonding social capital) را تقویت نمود و گروه‌های متفرق، مانند مهاجرین و انصار، را در یک شبکه منسجم اجتماعی متحد کرد (مقریزی، بی‌تا، ۷۰).



## پیمان اخوت: مکانیسم اعتمادسازی و کاهش تنش‌های قبیله‌ای

پیمان اخوت که توسط پیامبر اکرم (ص) بین مهاجرین و انصار اجرا شد، شبکه‌ای از اعتماد و همکاری را در جامعه نوپای مدینه ایجاد کرد. ابن هشام گزارش می‌دهد که پیامبر (ص) هر مهاجر را با یک انصاری به عنوان برادر دینی جفت کرد تا روابط اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تقویت شود (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲۳۴/۸). برای مثال، سعد بن ربیع انصاری اموال خود را با عبدالرحمن بن عوف مهاجر تقسیم کرد و حتی پیشنهاد داد که یکی از همسرانش را طلاق دهد تا عبدالرحمن با او ازدواج کند (ابن هشام، همان، ۲۳۵/۱). ملاحظه می‌شود اخوت ایمانی، نه تنها اعتماد اجتماعی را تقویت کرد، بلکه هویت جمعی مبتنی بر ایمان را در میان گروه‌های متفرق ایجاد نمود (Tajfel & Turner, ۱۹۷۹, ۳۸).

از منظر نظریه سرمایه اجتماعی، پیمان اخوت نمونه‌ای از اعتماد اجتماعی است که همکاری را در میان گروه‌های متنوع تسهیل کرد (Putnam, ۲۰۰۰, ۱۹). این پیمان با ایجاد تعهدات متقابل، مانند حمایت اقتصادی و اجتماعی، اعتماد را نهادینه کرد و الفت و اعتماد را میان گروه‌های متفرق به وجود آورد (رازی، ۱۴۲۰، ۱۲۳/۱۵). در بستر اجتماعی صدر اسلام که با تنش‌های قبیله‌ای میان اوس و خزرج و چالش‌های اقتصادی مهاجرین مشخص می‌شد، این پیمان به عنوان یک مکانیسم اجتماعی برای کاهش تعارضات و تقویت همبستگی عمل کرد. برای مثال، همکاری انصار در تأمین سرپناه و منابع برای مهاجرین که اغلب فاقد امکانات اقتصادی بودند، اعتماد اجتماعی را در جامعه تقویت کرد (Lapidus, ۱۹۸۸, ۳۴).

از منظر نظریه هویت اجتماعی (Tajfel & Turner, ۱۹۷۹, ۳۳-۴۷)، پیمان اخوت با ایجاد یک هویت جمعی مبتنی بر ایمان، احساس تعلق به امت را در میان مؤمنان تقویت کرد. این هویت جمعی که جایگزین هویت‌های قبیله‌ای پیشین شد، به کاهش تعصبات قبیله‌ای و ایجاد اعتماد متقابل کمک کرد. برای مثال، پیمان اخوت میان مهاجرین و انصار، تنش‌های قبیله‌ای را کاهش داد و شبکه‌ای از روابط مبتنی بر ارزش‌های دینی ایجاد کرد (أمین، بی‌تا، ۲۵۵/۱). این شبکه‌ها، سرمایه اجتماعی پیوندی را تقویت کردند که روابط درون‌گروهی را مستحکم می‌کرد و در عین حال، با اتصال گروه‌های مختلف، به سرمایه اجتماعی پل‌زننده (bridging social capital) نیز کمک کرد (Putnam, ۲۰۰۰, ۲۲).

## تحلیل جامعه‌شناختی

از منظر جامعه‌شناختی، پیمان اخوت به عنوان یک مکانیسم اعتمادساز، نقش



مشابهی با شبکه‌های اجتماعی مدرن یا برنامه‌های همبستگی اجتماعی ایفا کرد. این پیمان با ایجاد تعهدات متقابل، مانند حمایت اقتصادی و عاطفی، اعتماد اجتماعی را در یک جامعه چندپاره تقویت کرد (Fukuyama, ۱۹۹۵, ۲۶). برخلاف مکانیسم‌های مدرن اعتمادسازی که اغلب بر قراردادهای رسمی یا منافع اقتصادی تکیه دارند، پیمان اخوت ریشه در ایمان و ارزش‌های دینی داشت و از طریق تعهد به شریعت، همکاری را ترویج می‌داد (Siddiqui, ۲۰۱۲, ۸۹) که نشان‌دهنده نقش این پیمان در ایجاد «سرمایه عاطفی» (emotional capital) است که پیوندهای اجتماعی را مستحکم‌تر می‌کرد (Goleman, ۱۹۹۵, ۱۰۴).

جمع‌بندی: پیمان اخوت، با ایجاد اعتماد اجتماعی میان مهاجرین و انصار، سرمایه اجتماعی پیوندی را تقویت کرد. این مکانیسم، با کاهش تنش‌های قبیله‌ای و ایجاد هویت جمعی، انسجام امت را در صدر اسلام تضمین نمود (Fukuyama, ۱۹۹۵, p. ۲۶).

#### ۴.۲. نهادهای اجتماعی: مسجد النبی و نظام زکات

نهادهای اجتماعی در صدر اسلام، به‌ویژه مسجد النبی و نظام زکات، نقشی محوری در سازمان‌دهی روابط مؤمنان و تولید سرمایه اجتماعی ایفا کردند. این نهادها، با ایجاد ساختارهایی برای تعاملات اجتماعی و اقتصادی، شبکه‌های همکاری را شکل داده و سرمایه اجتماعی پل‌زننده (bridging social capital) را تقویت کردند که گروه‌های مختلف، از جمله مهاجرین و انصار، را به یکدیگر متصل می‌کرد (Putnam, ۲۰۰۰, ۲۲).

#### مسجد النبی: مرکز پیوند اجتماعی و هویت جمعی

مسجد النبی، به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی در مدینه، فراتر از یک مکان عبادی، مرکزی برای فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و آموزشی بود. آیه «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (توبه: ۱۸) مساجد را به‌عنوان فضاهایی معرفی می‌کند که توسط مؤمنان با ایمان و عمل صالح آباد می‌شوند (قرطبی، ۱۳۸۴، ۸۷/۸). از منظر جامعه‌شناختی، مسجد النبی به‌عنوان یک «فضای سوم» (third place) عمل می‌کرد که افراد از طبقات و قبایل مختلف را گرد هم می‌آورد و هویت جمعی مبتنی بر ایمان را تقویت می‌کرد (Oldenburg, ۱۹۸۹, ۲۰). ابن هشام گزارش می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) این مسجد را به مرکزی برای مشورت، آموزش و حل اختلافات تبدیل کرد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲۳۶/۱). این نقش چندگانه، مسجد را



به یک نهاد کلیدی برای تولید سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌زننده تبدیل کرد. از منظر نظریه سرمایه اجتماعی، مسجد النبی شبکه‌های همکاری را از طریق تعاملات منظم، مانند نمازهای جماعت، جلسات مشورتی و آموزش‌های دینی، تسهیل کرد (Lin, 2001, 29). برای مثال، در صدر اسلام، جلسات مشورتی در مسجد برای تصمیم‌گیری‌های جمعی، مانند سازمان‌دهی امور نظامی برگزار می‌شد (Lapidus, 1988, 67). این تعاملات، با کاهش فاصله‌های قبیله‌ای میان مهاجرین و انصار، شبکه‌های اجتماعی پایدار را ایجاد کرد که اعتماد متقابل و همکاری را تقویت می‌کرد. طبرسی تأکید می‌کند که مساجد با گردهم آوردن مؤمنان، هویت جمعی را تقویت کرده و شبکه‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند (طبرسی، 1415، 25/5). این ویژگی با مفهوم سرمایه اجتماعی پل‌زننده هم‌خوانی دارد، زیرا مسجد النبی گروه‌های متفرق، مانند قبایل اوس و خزرج یا مهاجرین و انصار را در یک شبکه منسجم متحد کرد.

### نظام زکات: مکانیسم کاهش نابرابری و تقویت همکاری

نظام زکات، به عنوان یک نهاد اقتصادی-اجتماعی، نقشی کلیدی در توزیع عادلانه منابع و تقویت شبکه‌های همکاری ایفا کرد. آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» (توبه: 103) زکات را ابزاری برای پاکسازی فردی و تقویت همبستگی اجتماعی معرفی می‌کند (رازی، 1420، 112/16). از منظر جامعه‌شناختی، زکات به عنوان یک مکانیسم بازتوزیعی عمل می‌کرد که نابرابری‌های اقتصادی را کاهش داده و پیوندهای اجتماعی میان اغنیا و فقرا را تقویت می‌کرد (Bourdieu, 1986, 248). ابن هشام گزارش می‌دهد که زکات در مدینه برای حمایت از مهاجرین و فقرا مورد استفاده قرار گرفت (ابن هشام، 1375، 237/1). این نظام، با ایجاد شبکه‌های همکاری میان گروه‌های اجتماعی مختلف، سرمایه اجتماعی پل‌زننده را تولید کرد. زکات نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه یک مکانیسم اجتماعی برای کاهش تنش‌های طبقاتی بود. آیه «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات: 19) بر حق فقرا در اموال اغنیا تأکید دارد (طبرسی، 1412، 234/22). این اصل، با ایجاد تعهد اخلاقی در میان اغنیا برای حمایت از فقرا، حسد و تفرقه را کاهش داد و همبستگی اجتماعی را تقویت کرد (قرطبی، 1384، 178/16). برای مثال، حمایت انصار از مهاجرین از طریق زکات و انفاق، نمونه‌ای از سرمایه اجتماعی پل‌زننده بود که گروه‌های متفرق را به یکدیگر متصل کرد (Putnam, 2000, 22). در نتیجه، زکات با توزیع عادلانه ثروت، از تفرقه جلوگیری کرده و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند (طباطبایی، 1374، 456/18).

## تحلیل جامعه‌شناختی

از منظر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، مسجد النبی و نظام زکات به عنوان نهادهایی عمل کردند که با ایجاد ساختارهای رسمی و غیررسمی، تعاملات اجتماعی را سازمان‌دهی کرده و سرمایه اجتماعی را تولید کردند. برخلاف نهادهای مدرن، مانند سازمان‌های خیریه یا انجمن‌های مدنی که اغلب بر ساختارهای سکولار تکیه دارند، این نهادها ریشه در ارزش‌های دینی داشتند و از طریق ایمان و تعهد اخلاقی، همکاری را تقویت می‌کردند (Siddiqui, 2012, p. 89). برای مثال، مسجد النبی با فراهم کردن فضایی برای گفت‌وگو و همکاری میان قبایل اوس و خزرج، تنش‌های قبایله‌ای را کاهش داد (Lapidus, 1988, p. 34). همچنین، زکات به عنوان یک نظام بازتوزیعی، می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌های مدرن کاهش نابرابری، مانند مالیات‌های مترقی یا برنامه‌های حمایت اجتماعی، باشد. جمع‌بندی: مسجد النبی و نظام زکات، با ایجاد شبکه‌های همکاری و کاهش نابرابری، سرمایه اجتماعی پل‌زننده را تولید کردند. این نهادها، با سازمان‌دهی تعاملات اجتماعی، انسجام امت را در برابر چالش‌های صدر اسلام تقویت نمودند (Lin, 2001, p. 29).

### ۴.۳. غزوات و سرایا: تقویت سرمایه اجتماعی در برابر تهدیدات خارجی

غزوات و سرایای پیامبر اکرم (ص) در صدر اسلام، به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات خارجی مانند حملات قریش یا قبایل متخاصم، نقش کلیدی در تولید سرمایه اجتماعی ایفا کردند. از منظر جامعه‌شناختی، تهدیدات خارجی می‌توانند با ایجاد حس وحدت و هدف مشترک، سرمایه اجتماعی را تقویت کنند (Fukuyama, 1995, p. 26). در غزوه بدر (۲ هـ) و غزوه احد (۳ هـ)، همکاری میان مهاجرین و انصار تحت رهبری پیامبر (ص) به عنوان یک مکانیسم هویت‌ساز عمل کرد و حس تعلق به امت اسلامی را تقویت نمود (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲۸۹/۱-۳۱۲). آیه (وَاعْتَدُوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) (أنفال: ۶۰) بر ضرورت آمادگی جمعی در برابر تهدیدات تأکید دارد و همکاری اجتماعی را ترویج می‌دهد (طبرسی، ۱۴۱۵، ۲۸۹/۴). این همکاری‌ها، با سازمان‌دهی منابع و ایجاد شبکه‌های عملیاتی برای دفاع، سرمایه اجتماعی پل‌زننده را تولید کردند که گروه‌های مختلف، مانند قبایل اوس و خزرج، را حول هدف مشترک دفاع از امت متحد کرد. برای مثال، در غزوه خندق (۵ هـ)، همکاری میان مهاجرین و انصار در حفر خندق و دفاع از مدینه، تنش‌های قبایله‌ای را کاهش داد و انسجام اجتماعی را تقویت نمود (Lapidus, 1988, p. 39). این مکانیسم، با ایجاد اعتماد متقابل در شرایط بحران، سرمایه اجتماعی را در امت اسلامی نهادینه کرد.



## تحلیل اجتماعی

از منظر نظریه سرمایه اجتماعی، غزوات و سرایا با ایجاد حس وحدت در برابر تهدیدات خارجی، سرمایه اجتماعی پل زنده را تقویت کردند (Putnam, ۲۰۰۰, p. ۲۲). این همکاری‌ها، با سازمان‌دهی منابع و ایجاد شبکه‌های عملیاتی میان گروه‌های متفرق مانند اوس و خزرج، اعتماد اجتماعی را در شرایط بحران افزایش دادند و هویت جمعی امت را مستحکم کردند (Fukuyama, ۱۹۹۵, p. ۲۶).

### ۴.۴. هنجارهای متقابل در صدر اسلام

هنجارهای متقابل در امت اسلامی، به‌ویژه امر به معروف و نهی از منکر و همیاری در خیر و تقوا، به‌عنوان ارزش‌هایی که رفتارهای خیرخواهانه و همکاری جویانه را ترویج می‌دهند، نقش کلیدی در تولید سرمایه اجتماعی ایفا کردند. این هنجارها، با نهادینه‌سازی تعهد جمعی به عدالت، اخلاق و همکاری، انسجام اجتماعی را در جامعه نوپای مدینه تقویت نمودند.

### امر به معروف و نهی از منکر: مکانیسم تنظیم رفتار اجتماعی

آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴) وظیفه اصلاح اجتماعی را بر عهده امت می‌گذارد و امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان هنجارهایی برای حفظ انسجام اجتماعی معرفی می‌کند (طبری، ۱۴۱۵، ۵۳/۴). از منظر جامعه‌شناختی، این هنجارها به‌عنوان مکانیسم‌های نظارت اجتماعی عمل می‌کردند که رفتارهای انحرافی را کنترل کرده و ارزش‌های مشترک، مانند عدالت و خیرخواهی، را در جامعه نهادینه می‌کردند (Coleman, ۱۹۸۸, ۱۰۴). این نقش با مفهوم سرمایه اجتماعی هم‌خوانی دارد، زیرا هنجارهای متقابل رفتارهای همکاری جویانه را تشویق کرده و از تفرقه‌جویی می‌کنند.

در صدر اسلام، امر به معروف و نهی از منکر به‌صورت عملی در جامعه مدینه اجرا شد. ابن هشام گزارش می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) با نظارت بر رفتارهای اجتماعی، مانند جلوگیری از معاملات ربوی یا حل اختلافات قبیله‌ای، این هنجارها را نهادینه کرد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲۳۹/۱). برای مثال، در مواجهه با تنش‌های قبیله‌ای میان اوس و خزرج، پیامبر (ص) از طریق جلسات مشورتی در مسجد النبی و تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، مانند عدالت و برادری، این هنجارها را به‌عنوان ابزاری برای مدیریت تعارضات به کار برد (Lapidus, ۱۹۸۸, ۳۴). این نظارت اجتماعی، با ایجاد حس مسئولیت جمعی، سرمایه اجتماعی را از طریق

تقویت اعتماد متقابل و کاهش انحرافات اجتماعی افزایش داد (Fukuyama, ۱۹۹۵, ۲۶).

از منظر نظریه‌های جامعه‌شناختی، امر به معروف و نهی از منکر مشابه مکانیسم‌های تنظیم اجتماعی در جوامع مدرن، مانند قوانین مدنی یا هنجارهای اخلاقی در گروه‌های اجتماعی، عمل می‌کرد. با این تفاوت که این هنجارها در صدر اسلام ریشه در ایمان و ارزش‌های دینی داشتند و از طریق تعهد به شریعت، رفتارهای خیرخواهانه را ترویج می‌دادند (Siddiqui, ۲۰۱۲, ۸۹) و جامعه را بر پایه عدالت و احسان استوار ساختند (طبرسی، ۱۴۱۵، ۲۳۴/۲). برای مثال، نظارت بر بازارهای مدینه برای جلوگیری از احتکار یا ربا، نمونه‌ای از اجرای عملی این هنجارها بود که اعتماد اجتماعی را تقویت کرده و رفتارهای غیراخلاقی را کاهش داد.

### همکاری در خیر و تقوا: تقویت هویت جمعی

آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائدة: ۲) همکاری در خیر و تقوا را به عنوان یک هنجار متقابل معرفی می‌کند که رفتارهای خیرخواهانه را تشویق کرده و از همکاری در گناه و تاووز لوگیری می‌کند. از منظر جامعه‌شناختی، این هنجار به عنوان یک مکانیسم هویت‌ساز عمل می‌کرد که با ایجاد تعهد جمعی به ارزش‌های مشترک، مانند تقوا و خیرخواهی، هویت جمعی امت را تقویت می‌کرد (Tajfel & Turner, ۱۹۷۹, ۳۸). این هویت جمعی، سرمایه اجتماعی را از طریق ایجاد شبکه‌های همکاری مبتنی بر اعتماد افزایش داد.

در صدر اسلام، همکاری در خیر به صورت عملی در تعاملات میان انصار و مهاجرین نمود یافت. ابن هشام گزارش می‌دهد که انصار اموال و خانه‌های خود را با مهاجرین تقسیم کردند تا آن‌ها را در مدینه مستقر کنند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲۳۵/۱). این همکاری که ریشه در ایمان و اخوت داشت، سرمایه اجتماعی پل‌زننده را تولید کرد که گروه‌های متفرق را به یکدیگر متصل می‌کرد (Putnam, ۲۰۰۰, p. ۲۲). برای مثال، حمایت اقتصادی انصار از مهاجرین از طریق انفاق و زکات، نه تنها نیازهای مادی مهاجرین را برآورده کرد، بلکه حس تعلق به امت را در میان آن‌ها تقویت نمود. بنابراین، همیاری و تعاون در خیر، شبکه‌های همکاری را در امت تقویت نموده و سرمایه اجتماعی را تولید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷۸/۵).

این هنجار همچنین در فعالیت‌های جمعی، مانند ساخت مسجد النبی، نمود یافت. همکاری مؤمنان در ساخت این مسجد که به صورت داوطلبانه انجام شد، نمونه‌ای از تعاون در خیر بود که حس همبستگی و هویت جمعی را تقویت کرد



(Lapidus, ۱۹۸۸, p. ۳۴) و امتی قوی و متحد را به وجود آورد (رازی، ۱۴۲۰ هـ، ۱۲۳/۱۰). از منظر جامعه‌شناختی، این همکاری‌ها با ایجاد «سرمایه عاطفی» (emotional capital) در میان مؤمنان، پیوندهای اجتماعی را مستحکم‌تر کرد و اعتماد متقابل را افزایش داد (Goleman, ۱۹۹۵, p. ۱۰۴).

### تحلیل جامعه‌شناختی

از منظر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در خیر به عنوان هنجارهای متقابل، نقش مشابهی با مکانیسم‌های تنظیم اجتماعی در جوامع مدرن ایفا کردند. این هنجارها با ایجاد تعهد جمعی به ارزش‌های اخلاقی، رفتارهای خیرخواهانه را نهادینه کرده و انسجام اجتماعی را حفظ نمودند. برخلاف هنجارهای سکولار مدرن که اغلب بر قوانین رسمی یا قراردادهای اجتماعی تکیه دارند، این هنجارها ریشه در ایمان و ارزش‌های دینی داشتند و از طریق تعهد به شریعت، همکاری و اعتماد را تقویت می‌کردند (Siddiqui, ۲۰۱۲, p. ۸۹).

جمع‌بندی: هنجارهای متقابل، مانند امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در خیر و تقوا، با نهادینه‌سازی رفتارهای خیرخواهانه و نظارت اجتماعی، سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌زننده را در صدر اسلام تقویت کردند. این هنجارها، با ترویج ارزش‌های عدالت و همکاری، انسجام امت را حفظ کرده و شبکه‌های همکاری مبتنی بر ایمان را مستحکم نمودند (Coleman, ۱۹۸۸, p. S۱۰۴).

### ۴.۵. درس‌هایی برای جوامع مدرن

پیمان اخوت، نهادهای اجتماعی مانند مسجد النبی و زکات و هنجارهای متقابل در صدر اسلام، الگویی بومی برای تولید سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهند که درس‌هایی برای جوامع مدرن دارد. پیمان اخوت، با ایجاد اعتماد میان گروه‌های متفرق، نشان داد که ارزش‌های دینی می‌توانند تنوع فرهنگی را در جوامع چندفرهنگی مدیریت کنند (Siddiqui, ۲۰۱۲, p. ۸۹). این الگو می‌تواند الهام‌بخش برنامه‌های ادغام مهاجران یا شبکه‌های همبستگی اجتماعی باشد. مسجد النبی، به عنوان مرکزی برای همکاری و آموزش، مشابه مراکز اجتماعی مدرن عمل کرد که هویت جمعی را تقویت می‌کنند (Lapidus, ۱۹۸۸, p. ۶۷). این نهاد می‌تواند الگویی برای ایجاد فضاهای مشترک در جوامع معاصر باشد. نظام زکات، با کاهش نابرابری اقتصادی، الهام‌بخش سیاست‌های بازتوزیعی مانند مالیات‌های مترقی است (Putnam, ۲۰۰۰, p. ۲۳).

هنجارهای امر به معروف و همکاری در خیر، با ترویج رفتارهای خیرخواهانه، می‌توانند در قالب ابتکارات داوطلبانه یا نظارت‌های مدنی بازآفرینی شوند تا انسجام اجتماعی را در برابر فردگرایی و تفرقه تقویت کنند. این اصول قرآنی، با تأکید بر ایمان و همکاری، چارچوبی برای مقابله با چالش‌های مدرن مانند نابرابری و تفرقه ارائه می‌دهند و گفت‌وگویی میان‌رشته‌ای بین مطالعات اسلامی و علوم اجتماعی ایجاد می‌کنند.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش مفهوم امت اسلامی را در قرآن کریم از منظر سرمایه اجتماعی بررسی کرد و نشان داد که چگونه روابط مؤمنان، از طریق اخوت اسلامی، نهادهای اجتماعی (مانند مساجد و زکات) و هنجارهای متقابل (امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در خیر)، سرمایه اجتماعی را تولید می‌کنند. این بخش یافته‌های پژوهش را جمع‌بندی کرده، اهمیت آن‌ها را برای مطالعات اسلامی و علوم اجتماعی تحلیل می‌کند و پیشنهاداتی برای تحقیقات آینده ارائه می‌دهد.

## ۵.۱. جمع‌بندی یافته‌ها

تحلیل قرآنی روابط مؤمنان نشان داد که امت اسلامی، به‌عنوان جامعه‌ای مبتنی بر ایمان و ارزش‌های الهی، بستری منحصربه‌فرد برای تولید سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند. در محور اخوت اسلامی، آیاتی مانند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) و «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» (أنفال: ۶۳) اعتماد اجتماعی را از طریق پیوندهای ایمانی تقویت می‌کنند. این اعتماد، سرمایه اجتماعی پیوندی را تولید می‌کند که روابط درون‌گروهی را مستحکم می‌سازد.

در محور نهادهای اجتماعی، مساجد و زکات به‌عنوان بسترهای سازمان‌یافته برای همکاری شناسایی شدند. آیه «إِنَّمَا يَعْمرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» (توبه: ۱۸) مساجد را مراکز عبادی و اجتماعی معرفی می‌کند. زکات، در آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه: ۱۰۳)، توزیع عادلانه منابع را ترویج می‌دهد. این نهادها، با ایجاد شبکه‌های همکاری، سرمایه اجتماعی پل‌زننده را تولید می‌کنند که گروه‌های مختلف را به یکدیگر متصل می‌کند.

در محور هنجارهای متقابل، آیاتی مانند «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران: ۱۰۴) و «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائدة: ۲) رفتارهای خیرخواهانه را نهادینه می‌کنند. این هنجارها، با ترویج ارزش‌هایی مانند عدالت و همکاری، سرمایه اجتماعی را از طریق تعهد جمعی تقویت می‌کنند.



بررسی تاریخی صدر اسلام نشان داد که این اصول قرآنی به صورت عملی اجرا شدند. پیمان اخوت، با ایجاد اعتماد میان مهاجرین و انصار، نمونه‌ای از سرمایه اجتماعی پیوندی بود. مسجد النبى و نظام زکات، شبکه‌های همکاری را تقویت کردند و هنجارهای متقابل، مانند امر به معروف و همیاری در خیر، انسجام اجتماعی را حفظ نمودند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که امت اسلامی، به عنوان یک مدل بومی سرمایه اجتماعی، از طریق ارزش‌های دینی انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند.

### ۵.۲. اهمیت یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش از چند جهت برای مطالعات اسلامی و علوم اجتماعی اهمیت دارند. نخست، این مطالعه با تلفیق مفاهیم قرآنی و نظریه‌های سرمایه اجتماعی، چارچوبی میان‌رشته‌ای ارائه می‌دهد که گفت‌وگویی بین مطالعات دینی و علوم اجتماعی ایجاد می‌کند. برخلاف مدل‌های غربی سرمایه اجتماعی که اغلب بر ساختارهای سکولار تمرکز دارند، امت اسلامی سرمایه اجتماعی را از طریق ایمان و ارزش‌های دینی تولید می‌کند. این چارچوب بومی می‌تواند به درک نقش دین در انسجام اجتماعی کمک کند.

دوم، این پژوهش نشان می‌دهد که اصول قرآنی مانند اخوت، زکات و امر به معروف راهکارهایی برای چالش‌های معاصر، مانند فردگرایی و تفرقه، ارائه می‌دهند. آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائدة: ۲) همکاری در خیر را ترویج می‌دهد که می‌تواند در جوامع مدرن برای تقویت همکاری و کاهش نابرابری به کار رود. این اصل، با ایجاد تعهد جمعی، سرمایه اجتماعی را در برابر تهدیدات مدرن تقویت می‌کند.

سوم، تحلیل تاریخی صدر اسلام درس‌هایی عملی برای جوامع مدرن ارائه می‌دهد. پیمان اخوت، با ایجاد اعتماد میان گروه‌های متفرق، می‌تواند الگویی برای مدیریت تنوع فرهنگی در جوامع چندفرهنگی باشد. نهادهایی مانند مسجد النبى و زکات نیز می‌توانند الهام‌بخش ساختارهای اجتماعی مدرن، مانند مراکز خیریه یا نهادهای مدنی، باشند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که امت اسلامی ظرفیت بالایی برای ارائه راهکارهای بومی در برابر چالش‌های جهانی دارد.

### ۵.۳. نتیجه‌گیری نهایی

این پژوهش نشان داد که امت اسلامی، با تکیه بر اصول قرآنی مانند اخوت، نهادهای اجتماعی و هنجارهای متقابل، الگویی بومی برای تولید سرمایه

اجتماعی ارائه می‌دهد. آیاتی مانند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)، «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» (توبه: ۱۸) و «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) بسترهای نظری و عملی برای اعتماد، همکاری و انسجام اجتماعی فراهم می‌کنند. تجربه صدر اسلام، از پیمان اخوت تا مسجد النبوی، نشان داد که این اصول به صورت عملی سرمایه اجتماعی را تولید کردند. این الگو، با ارائه راهکارهایی برای چالش‌های معاصر، گفت‌وگویی میان رشته‌ای بین مطالعات اسلامی و علوم اجتماعی ایجاد می‌کند و زمینه‌ساز تحقیقات آینده در این حوزه خواهد بود.



## فهرست منابع

۱. آلوسی، محمود (بی تا). روح المعانی. بی جا. بی نا.
۲. امین، سید محسن. (بی تا). أعيان الشيعه. بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
۳. ابن كثير، اسماعيل بن عمر. (۱۴۰۷هـ). تفسير القرآن العظيم. بيروت: دار الكتب العلمية.
۴. ابن عطية، قاضي ابو محمد. (۱۴۱۳هـ). المحرر الوجيز. بيروت: دار الكتب العلمية.
۵. ابن هشام، عبدالملك. (۱۳۷۵). السيرة النبوية. ترجمه: سيد هاشم رسولى محلاتى. تهران: انتشارات كتابچى.
۶. آيت اللهى، حميدرضا. (۱۳۹۵). نقش ارزش هاى اسلامى در توسعه اجتماعى. تهران: انتشارات علمى و فرهنگى.
۷. ايزدى، محمد. (۱۳۹۶). سرمايه اجتماعى در جوامع اسلامى: بررسى نقش نهادهاى دينى. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. بغوى، حسين بن مسعود. (۱۴۱۷هـ). معالم التنزيل فى تفسير القرآن. بيروت: دار طيبة للنشر.
۹. رازى، فخرالدين. (۱۴۲۰هـ). تفسير كبير مفاتيح الغيب. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
۱۰. زمخشري، ابوالقاسم جارالله. (۱۴۰۷هـ). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل. بيروت: دار الكتاب العربى.
۱۱. سيوطى، لال الدين. (۱۴۰۴هـ). الدر المنثور فى التفسير بالمأثور. قم: مكتبة آية الله المرعشى النفى.
۱۲. طباطبايى، محمد حسين. (۱۳۷۴). تفسير الميزان. قم: انتشارات اسلامى.
۱۳. طباطبايى، محمد حسين. (۱۳۷۹). قرآن در اسلام. تهران: دار الكتب الاسلامية.
۱۴. طبرى، محمد بن جرير. (۱۴۱۵هـ). جامع البيان فى تفسير القرآن. بيروت: دار الفكر.
۱۵. طبرسى، فضل بن حسن. (۱۴۱۵هـ). مجمع البيان فى تفسير القرآن. بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
۱۶. طوسى، محمد بن حسن. (۱۴۰۹هـ). التبيين فى تفسير القرآن. قم: مكتب الأعلام الاسلامى.
۱۷. عاملى، جعفر مرتضى. (۱۴۱۵هـ). الصحيح من السيرة النبى الاعظم. بيروت: دار الهادى.
۱۸. عياشى، محمد بن مسعود. (بی تا). تفسير عياشى. تهران: مكتبة العلمية الاسلامية.
۱۹. فيض كاشانى، ملامحسن. (۱۴۱۶هـ). الصافى فى تفسير القرآن. تهران: مكتبة الصدر.
۲۰. قرطبى، محمد بن احمد. (۱۳۸۴هـ). الجامع لأحكام القرآن. بيروت: مؤسسة الرسالة.
۲۱. مقريزى، احمد بن على. (بی تا). النزاع و التخاصم. بيروت: دار التراث.
۲۲. موسوى سرچشمه و ديگران. (۱۴۰۲). سرمايه اجتماعى اخوت مدار: قدرت نرم بى بديل تأمين امنيت امت اسلامى. فصلنامه محيط شناسى راهبرى ج.ا.ايران. (۲۲). ص ۱۱۳-۱۳۸.
۲۳. نحاس، ابو جعفر. (۱۴۰۹هـ). معانى القرآن. مكة: جامعة أم القرى.

## منابع لاتين

1. Asad, T. (1986). The idea of an anthropology of Islam. Washington, DC: Center for Contemporary Arab Studies, Georgetown University.
2. Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241-258). New York, NY: Greenwood Press.
3. Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. American Journal of Sociology, 94(Supplement), S95-S120.
4. Creswell, J. W. (2014). Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
5. Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (2011). The SAGE handbook of qualitative

مطالعات اجتماعی و فرهنگی  
دوره چهارم  
شماره اول  
پیاپی: ۷  
بهار و تابستان  
۱۴۰۴

- research (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
6. Esposito, J. L. (2011). What everyone needs to know about Islam (2nd ed.). Oxford, UK: Oxford University Press.
7. Fukuyama, F. (1995). *Trust: The social virtues and the creation of prosperity*. New York, NY: Free Press.
8. Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). *Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
9. Lapidus, I. M. (1988). *A history of Islamic societies*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
10. Lin, N. (2001). *Social capital: A theory of social structure and action*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
11. Oldenburg, R. (1989). *The Great Good Place: Cafés, Coffee Shops, Community Centers, Beauty Parlors, General Stores, Bars, Hangouts, and How They Get You Through the Day*. New York, NY: Paragon House.
12. Portes, A. (1998). Social capital: Its origins and applications in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 24, 1-24.
13. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York, NY: Simon & Schuster.
14. Siddiqui, A. (2012). Islamic institutions and social capital: A modern perspective. *Journal of Islamic Studies*, 23(1), 85-100.
15. Tajfel, H., & Turner, J. C. (1979). An integrative theory of intergroup conflict. In W. G. Austin & S. Worchel (Eds.), *The Social Psychology of Intergroup Relations* (pp. 33-47). Monterey, CA: Brooks/Cole.

## Resources:

1. Alousi, M. (n.d.). Ruh al-Ma'ani [The Spirit of Meanings]. No place: No publisher.
2. Amin, S. M. (n.d.). A'yan al-Shi'a [Notable Figures of the Shi'a]. Beirut: Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at.
3. Asad, T. (1986). The idea of an anthropology of Islam. Washington, DC: Center for Contemporary Arab Studies, Georgetown University.
4. Ayatollahi, H. (2016). The role of Islamic values in social development. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
5. Al-Baghawi, H. ibn M. (1996). Ma'alim al-Tanzil fi Tafsir al-Qur'an [Landmarks of Revelation in the Interpretation of the Qur'an]. Beirut: Dar Taybah.
6. Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241-258). New York, NY: Greenwood Press.
7. Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. American Journal of Sociology, 94(Supplement), S95-S120.
8. Creswell, J. W. (2014). Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
9. Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (Eds.). (2011). The SAGE handbook of qualitative research (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
10. Esposito, J. L. (2011). What everyone needs to know about Islam (2nd ed.). Oxford, UK: Oxford University Press.
11. Fukuyama, F. (1995). Trust: The social virtues and the creation of prosperity. New York, NY: Free Press.
12. Ibn al-'Atiyyah, Q. A. (1992). Al-Muharrar al-Wajiz [The Concise Edition]. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
13. Ibn Hisham, 'A. (1996). Al-Sirah al-Nabawiyah [The Prophetic Biography] (S. Rasuli Mahallati, Trans.). Tehran: Ketabchi Publications. (Original work published 1375)
14. Ibn Kathir, I. ibn U. (1987). Tafsir al-Qur'an al-'Azim [Interpretation of the Great Qur'an]. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
15. Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
16. Izadi, M. (2017). Social capital in Islamic societies: Examining the role of religious institutions. Tehran: University of Tehran Press.
17. Al-Lamishi, H. ibn M. (n.d.). Ruh al-Ma'ani. No place: No publisher.
18. Lapidus, I. M. (1988). A history of Islamic societies. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
19. Lin, N. (2001). Social capital: A theory of social structure and action. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
20. Mousavi Sarchashmeh, et al. (2023). Brotherhood-oriented social capital: The unique soft power for securing the security of the Islamic Ummah. Iran's Strategic Environment Quarterly, (22), 113-138.
21. Al-Maqrizi, A. ibn A. (n.d.). Al-Niza' wa al-Takhasum [Strife and Conflict]. Beirut: Dar al-Turath.
22. Al-Nahhas, A. J. (1989). Ma'ani al-Qur'an [The Meanings of the Qur'an]. Makah: Umm al-Qura University.
23. Oldenburg, R. (1989). The Great Good Place: Cafés, Coffee Shops, Community Centers, Beauty Parlors, General Stores, Bars, Hangouts, and How They Get You

- Through the Day. New York, NY: Paragon House.
24. Portes, A. (1998). Social capital: Its origins and applications in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 24, 1-24.
25. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York, NY: Simon & Schuster.
26. Al-Qurtubi, M. ibn A. (2004). *Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an* [The Comprehensive Collection of Qur'anic Rulings]. Beirut: Mu'assasat al-Risalah.
27. Al-Razi, F. (1999). *Mafatih al-Ghayb* [The Keys to the Unseen]. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
28. Siddiqui, A. (2012). Islamic institutions and social capital: A modern perspective. *Journal of Islamic Studies*, 23(1), 85-100.
29. Al-Suyuti, J. (1984). *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi al-Ma'thur* [The Scattered Pearls: Interpretation Based on Tradition]. Qom: Maktabat Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi.
30. Al-Tabari, M. ibn J. (1994). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* [The Comprehensive Elucidation of the Interpretation of the Qur'an]. Beirut: Dar al-Fikr.
31. Al-Tabataba'i, M. H. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* [The Balance in the Interpretation of the Qur'an]. Qom: Islamic Publications.
32. Al-Tabataba'i, M. H. (2000). *The Qur'an in Islam*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
33. Tajfel, H., & Turner, J. C. (1979). An integrative theory of intergroup conflict. In W. G. Austin & S. Worchel (Eds.), *The Social Psychology of Intergroup Relations* (pp. 33-47). Monterey, CA: Brooks/Cole.
34. Al-Tabarsi, F. ibn H. (1994). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* [The Convergence of Elucidation in the Interpretation of the Qur'an]. Beirut: Al-A'lami Foundation for Publications.
35. Al-Tusi, M. ibn H. (1988). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an* [The Elucidation in the Interpretation of the Qur'an]. Qom: Islamic Affairs Office.
36. Al-'Amili, J. M. (1994). *Al-Sahih min Sirat al-Nabi al-A'zam* [The Authentic from the Biography of the Great Prophet]. Beirut: Dar al-Hadi.
37. Al-'Ayashi, M. ibn M. (n.d.). *Tafsir al-'Ayashi*. Tehran: Al-Ilmiyyah al-Islamiyyah Library.
38. Al-Fayd al-Kashani, M. M. (1995). *Al-Safi fi Tafsir al-Qur'an* [The Pure in the Interpretation of the Qur'an]. Tehran: Sadr Library.
39. Al-Zamakshari, M. ibn U. (1987). *Al-Kashshaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil* [The Unveiler of the Realities of the Hidden Matters of Revelation]. Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi.